

**The Challenges of Creative Thinking Development and Aesthetics (Artistry) of preschool children
from the point of view of Saez city educators**

Hasan hejazi¹, zohreh hamzehlou,² bafrin salehi³, Mahmood hoseyni⁴

1. Master's degree in preschool education, lecturer at Payam Noor University, Urmia, Iran.
2. Ph.D. in Curriculum Planning, Lecturer at Farhangian University, Urmia, Iran. (Responsible author)
3. BA student of Elementary Education, Allameh Tabatabai Campus Farhangian University, Urmia, Iran.
4. Senior expert in clinical psychology, manager- teacher, Urmia, Iran.

**ARTICLE
INFORMATION**

Received: 19 June 2023
Accepted: 25 August 2023

Keywords:

aesthetics, art, development
of creative thinking,
preschool children,
preschool teachers

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the challenges of creative thinking development and aesthetics in preschool children. The method of this qualitative research is of phenomenological type and its statistical population was formed by preschool teachers of Saez city in 2019, which continued with purposeful sampling until the saturation limit was reached (21 people). The measurement tool was a semi-structured interview. The results of the interview were classified into nine core code categories and four optional codes of "criticism and strictness and imposing on children, lack of concentration in children or scattering the mind, lack of development of children's professional skills and lack of promotion of critical thinking". Therefore, it can be concluded that art and beauty can be considered as a suitable mental platform for creating real knowledge and education.

دو فصلنامه علمی پژوهش در آموزش ابتدایی

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲. صفحات: ۹۴-۱۰۷

چالش‌های رشد تفکر خلاق و زیباشناسی (هنری) کودکان دوره پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز

حسن حجازی^۱، زهره حمزه لو،^{۲*} بفرین صالحی^۳، محمود حسینی^۴

۱. کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش دبستانی، مدرس دانشگاه پیام نور، ارومیه، ایران.
۲. دکتری تخصصی رشته برنامه‌ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی ارومیه، ایران.
۴. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مدیر آموزگار، ارومیه، ایران.

Email: z.hamzelo@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی چالش‌های رشد تفکر خلاق و زیبایی‌شناسی در کودکان پیش دبستانی بود. روش این پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناختی است و جامعه آماری آن را مربیان پیش دبستانی شهرستان سقز که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند که با نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به حد اشباع (۲۱ نفر) ادامه یافت. ابزار اندازه‌گیری مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. نتایج حاصل از مصاحبه در نه دسته کد محوری و چهار کد انتخابی «نقد و سخت‌گیری و تحمیل کودکان، عدم تمرکز در کودکان یا پراکنده ساختن ذهن، عدم توسعه مهارت‌های حرفه‌ای کودکان و عدم ارتقا تفکر انتقادی» طبقه‌بندی شده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت هنر و زیبایی می‌تواند به‌عنوان بستر ذهنی مناسبی برای ایجاد معرفت و تربیت حقیقی تلقی شوند

اطلاعات مقاله

دریافت: ۲۹ خرداد ۱۴۰۲

پذیرش: ۳ شهریور ۱۴۰۲

واژگان کلیدی:

رشد تفکر خلاق، زیباشناسی،
کودکان دوره پیش دبستانی،
مربیان دوره پیش دبستانی، هنر

مقدمه

یکی از مهمترین وجوه تمایز انسان از دیگر موجودات، قدرت تفکر، خلاقیت، قدرت دستکاری در ذهن و پدیده‌ها، قدرت کشف و تولید ابزار و اندیشه‌های جدید است. تفکر پیچیده‌ترین نوع رفتار انسان است، زیرا در بالاترین سطوح فعالیت ذهنی رخ می‌دهد و به عنوان یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌هایی تلقی می‌شود که انسان را از سایر گونه‌ها متمایز می‌کند. این رفتار تحت تأثیر ساختار ذهنی و ساختار مغز یادگیرنده است (Hamouda, 2000) همه انسانها کم و بیش خلاق اند و این توانایی با درجات مختلف، در آنها وجود دارد. مهم آن است که بتوان آن را شکوفا کرد، توسعه داد و به خدمت گرفت (Orange, 2009) چرا که این نوع تفکر راهی است به سوی فراتر رفتن از کارهایی که در گذشته انجام شده است و رسیدن به دستاوردها، راه‌حل‌ها و ایده‌هایی برای حال و آینده (Hosseini, 2019). برای دستیابی و تقویت چنین تفکری کودکان باید به گونه‌ای مورد مراقبت قرار گیرند که نه تنها توانایی آنها را برای رشد ارتقاء یابد، بلکه از آنها در برابر آسیب‌ها و بدرفتاری‌های فیزیکی و جنسی محافظت شود (Gottfried, 2013). تامین امنیت برای همه افراد لازم و مهم است، به ویژه برای کودکان خردسال، که به طور معمول فاقد قدرت فردی لازم برای اجتناب از خطرات هستند (National Research Council and Institute of Medicine, 2000). به ویژه از آغاز تولد تا شش سالگی یعنی سنین پیش دبستانی که بیشترین تأثیر را در شکل دهی به شخصیت کودک دارد (Hajizadeh, 2006). در این سن کودکان به مراقبتی نیاز دارند که سلامت و رفاه عاطفی مثبت آنها را تضمین نموده و از سلامت روانی آنها حمایت کند، از جمله احساس مثبت نسبت به خود، و توانایی مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، برانگیختگی عاطفی، غلبه بر ترس‌ها، و پذیرش ناامیدی‌ها (Grusec, 2011).

والدین و سایر مراقبان، منابع ضروری برای کودکان در مدیریت برانگیختگی‌های عاطفی، چگونگی مدیریت رفتار هستند (Dishion, Snyder, editors, 2016) آنها با ارائه جملات تأکیدی مثبت، انتقال عشق و احترام و ایجاد احساس امنیت در این نقش خدمت می‌کنند (Farrow, Haycraft, Blissett, 2015) حمایت درست و به موقع والدین، در به حداقل رساندن خطر رفتارهای درونی، مانند رفتارهای مرتبط با اضطراب و افسردگی، که می‌تواند سازگاری و توانایی کودکان را در عملکرد خوب در خانه، مدرسه و جامعه مختل کند، کمک می‌نماید (Osofsky and Fitzgerald, 2000). علائمی مانند ترس شدید، درماندگی، ناامیدی، بی‌تفاوتی، افسردگی و کناره‌گیری، نشانه‌هایی از مشکلات عاطفی هستند که در میان کودکان بسیار خردسالی که مراقبت ناکافی از والدین را تجربه می‌کنند، مشاهده شده است (Pickard, Ingersoll, 2015). مطالعاتی که تا کنون در مورد یادگیری و آموزش کودکان صورت گرفته نشان داده است که تفکر خلاق به توانایی حفظ شایستگی در مواجهه با ناملازمات اشاره دارد. مقابله مؤثر، که هم فکر و هم عمل فرد را در بر می‌گیرد، زمانی که فرد در تلاش برای بازگرداندن یا حفظ تعادل خود در موقعیت‌های مختلف است، همه اینها بخشی از تفکر خلاق است (فوناگی، ۲۰۰۲). و این مهارت‌های تفکر نه تنها مستقل از نوع رفتار والدین با کودکان نیست، بلکه از طریق آنها رخ می‌دهد (Kim, Choe, & Kaufman, 2019).

تفکر خلاق، مستلزم تفکر واگراست که به سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط تأکید دارد؛ اما از آنجا که تفکر خلاق به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود، آن را به صورت یک نشانگان یا مجموعه‌ای در نظر می‌گیرند که متأثر از عوامل مختلف نظیر شخصیت، آرایش ژنتیکی، محیط‌های اجتماعی، عوامل زیست‌شناختی و فرهنگ است (Folley and Park, 2005). این تفکر در همه ابعاد زندگی بشر بروز کرده و بین تمام انسانها مشترک است، هنگامی که قدرت آگاهی و اطلاعات ذهن افراد با رشد مناسب فکری توأم باشد، آنگاه قدرت استدلال ذهنی بیشتر می‌شود و تفکر خلاق که تفکری سطح بالاست، به وجود می‌آید (Golkari, Rastgoo and Mogadam, 2013). تاکنون نظریه‌های متفاوتی در مورد تفکر خلاق مطرح شده است و بر اساس توافق کلی، فرایند تفکر خلاق عبارت از توانایی استخراج افکار و تجربه‌های گذشته و ترکیب آنها به شیوه‌های بدیع است (Gibson Park, 2009). بنابراین موثرترین برنامه‌ها، برنامه‌های

هستند که بر جنبه‌های خلاقیت شناختی، شخصیت، نگرش، رفتار بین فردی و محیطی تاثیر بگذارند (Yasmi et al., quoted by Scott & Mumford, 2022).

تقویت زیباشناختی هم در این دوره حائز اهمیت است، در فرهنگ‌های فارسی، زیبایی حالت و کیفیت نیکو و زیبنده‌ای تعریف شده است که عشق و احساسات انسان را نسبت به خود بر می‌انگیزاند. در فرهنگ معین آمده است: لازمه داشتن تفکر خلاق، پرورش حس زیباشناختی است. زیبایی عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه با عظمت و پاکی، در شیء وجود دارد « و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط پدید می‌آورد (Moin, 2015). حوزه هنر و تعلیم و تربیت آنقدر به هم نزدیک است که برخی از متفکران هنر و زیبایی‌شناسی، شالوده‌تعلیم و تربیت را در نظر می‌گیرند (Kerami and Abedi, 2016). آموزش هنر به یادگیرندگان کمک می‌کند:

- تا مهارت‌های خلاقانه حل مسئله را توسعه دهند.
 - آموزش از طریق هنر می‌تواند مفاهیم دشوار را به صورت بصری ارائه دهد و درک آنها را آسان تر کند.
 - آموزش هنر به کودکان در رشد مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری و خلاقیت کمک می‌کند.
 - هنرهای تجسمی به فراگیران در مورد رنگ، چیدمان، چشم انداز و تعادل آموزش می‌دهند: تمام تکنیک‌هایی که در ارائه (تصویری، دیجیتال) کار آکادمیک ضروری هستند.
 - تجربیات هنری تفکر انتقادی را تقویت می‌کند و به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد که برای مشاهده‌ی جهان دقیق‌تر و دقیق‌تر وقت بگذارند.
 - هنر چالش‌هایی را برای فراگیران در همه سطوح فراهم می‌کند.
 - آموزش هنر دانش‌آموزان را با فرهنگ خود و همچنین با جهان گسترده‌تر پیوند می‌دهد (Welsh Government, 2017).
- مطالعه‌ای در مدارس دولتی میسوری در سال ۲۰۱۰ نشان داد که آموزش بیشتر هنر منجر به تخلفات انضباطی کمتر و حضور بیشتر، نرخ فارغ‌التحصیلی و نمرات آزمون بالاتر می‌شود. همانطور که کودکان نقاشی می‌کنند، نقاشی می‌کنند و کلاژ می‌سازند، در مورد جهان (رنگ، شکل و اندازه اشیاء) یاد می‌گیرند (Davey, 2006) وقتی کودکان از رنگ، چسب و نشانگر استفاده می‌کنند، در حال برنامه‌ریزی، آزمایش و حل مسئله هستند (Richardson, 2017) همانطور که کودکان رنگ را مخلوط می‌کنند، یاد می‌گیرند علت و معلول را درک کنند. هنر به کودکان فرصت تصمیم‌گیری و یادگیری از تجربه انتخاب آثار هنری خود را می‌دهد (Kudo & Hartley, 2017) این شیوه‌ی ابراز وجود به کودکان کمک می‌کند تا با استرس‌های طبیعی بزرگ شدن کنار بیایند. هنر به کودکان کمک می‌کند تا احساس فردیت خود، حس احترام به خود و قدردانی از کار دیگران را پرورش دهند. (Hardiman, 2016) روانکاوان معتقدند که هنر از نظر عاطفی موجب کاهش احساس خشم، نفرت و پرخاشگری در کودک می‌شود. خلق آثار هنری جنبه‌تصادفی دارد و باعث تقویت اعتماد به نفس کودک می‌شود (Lotfabadi, 2020) تحقیقات نشان می‌دهد که فعالیت‌های هنری ظرفیت مغز را در اوایل کودکی توسعه می‌دهد و حواس کودکان را در بازی‌های بی‌پایان درگیر می‌کند و از رشد مهارت‌های شناختی، اجتماعی-عاطفی و چندحسی حمایت می‌کند (Egalite, 2015) (Kisida, & Winters

با توجه به آنچه شرح داده شد پژوهش حاضر به دنبال بررسی چالش‌های رشد تفکر خلاق و زیباشناسی (هنر) در کودکان دوره پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز است تا بتوان از این طریق به راهبردهایی دست یافت و از آنها در مراکز آموزشی، پژوهشی بهره‌برد و بهداشت روانی کودکان دوره پیش دبستانی را با فهم تفکر خلاق و درک زیبایی‌شناسی ارتقا بخشید.

در ادامه به برخی از تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است پرداخته می شود: مهدوی نژاد در پژوهشی با عنوان «رشد خلاقیت و زیبایی شناختی کودکان پیش دبستانی به مهد کودک رفته و نرفته و مقایسه ویژگی های جمعیت شناختی» پرداختند که نتایج به دست آمده نشان داد که تفاوت معناداری بین رشد اجتماعی و زیبایی شناسی کودکانی که دوران مهد کودک را گذرانده اند و کسانی که نگذرانده اند وجود دارد. نتایج همچنین رشد اجتماعی پایین تری را در کودکانی که دوره کودکستان را نگذرانده اند نشان داد (Mahdovinejad, 2006)

آقا لطفی در پژوهش خود تحت عنوان «مناسب سازی محیط برای خلاقیت کودکان» می باشد که در این روند تلاش شده است تا ذهنیت کودکان از فضای کالبدی، شناسایی و تصویر ذهنی آنها از محیط و نیز مسیرهای فکری آنها ثبت گردد. پس از مرحله شناخت ذهنیات، زندگی روزانه کودک از دو جنبه مکانی (فضاهای درگیر با کودک) و زمانی (بازه های زمانی مختلف زندگی کودک) بررسی شده و در نهایت در هر یک از ۲۰ بازه زمانی بدست آمده، ایده های فضایی و کالبدی برای مناسب بودن محیط برای کودک به ویژه خلاقیت او، ارائه می گردد (Agha Latifi, 2008).

آقا پور در پژوهش خود تحت عنوان «خلاقیت (تفکر خلاق) و کودک پیش دبستانی و دبستانی» می باشد که یافته ها شامل این موارد است: ۱- مفهوم خلاقیت و نوآوری ۲- کلاس درس و خلاقیت ۳- موانع خلاقیت ۴- راهکارهای افزایش خلاقیت کودکان ۵- خصوصیات افراد خلاق ۶- ارتباط خلاقیت و هوش. سوال اصلی پژوهش فوق این است که هدف از ایجاد خلاقیت در کودکان پیش دبستانی و دبستانی چیست (Abdulpour, 2013).

نیر و افهمی در پژوهش خود تحت عنوان « نقش جنبه های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر از دیدگاه مربیان مهد کودک» دریافتند نسبت به دو متغیر رنگ و فرم تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که رنگ از دیدگاه مربیان نقش خلاق کودکان می باشد طبق این پژوهش بین دیدگاه های مربیان با توجه به سابقه خدمت و میزان تحصیلات آنها، نسبت به نقش متغیرهای کیفیات محیطی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود ندارد. نتیجه نشان داد از دیدگاه مربیان مهد کودکها نقش جنبه های کیفی محیط همچون رنگ، فرم و بافت به ویژه رنگ بر ارتقاء خلاقیت کودکان در محیط های آموزشی مؤثر است (Naier, Afemi, 2014).

مهدوی نژاد در پژوهش خود تحت عنوان « تأثیر محیط هنری بر خلاقیت دانش آموزان دستاوردهای پژوهش مبین آن است که محیط هنری بر خلاقیت دانش آموزان تاثیرگذار است، هرچند این تأثیر خطی نیست و در برخی موارد ناسازگاری های را نیز نشان می دهد (Mahdovinejad, 2006).

چان در تحقیقی با موضوع آموزش خلاقیت بر کودکان مهد کودکی مبتنی بر مشاهدات معلمان در سه جامعه چین (هنگ کنگ، شانگ های و تایوان) انجام داد. نتایج عمده علمی تأثیر مثبت آموزش خلاقیت در رابطه با یادگیری خلاقیت را نشان داد. امتیاز معلمان با تجربه و کارآموده به طور معناداری در آموزش خلاقیت، بالاتر از معلمان بود که یا اواسط کارشان و یا مبتدی بودند. (Chan, 2005) شارپ در پژوهشی محیط خلاقیت را باعث تحریک کنجکاوی کودکان می داند که در حین بازی ها و کارهای هنری بدون ساختار کسب می کنند. همچنین وی اظهار می دارد که خلاقیت یک استعداد ذاتی است و نقش مربیان و والدین در انگیزش کودکان جهت حل کردن مشکلات و توسعه مهارت های خلاقانه کودکان در حین بازی بسیار مؤثر است.

از آنجایی که به تدریج فهم تفکر خلاق و درک زیبایی در بین مربیان پیش دبستانی رو به افزایش است و این مشکلات اگر به موقع تشخیص و درمان نشوند، می‌توانند پیامدهای منفی بسیاری برای قشر نوجوان چه در زمان حال و چه در زمان آینده به وجود آورند. (Sharp, 2004).

روش پژوهش

راهبرد پژوهش کیفی و روش آن پدیدار نگاری است. پدیدارشناسی^۱ یک روش تحقیق کیفی و مطالعه تجربی راه‌های گوناگونی است که مردم در خصوص جهان می‌اندیشند. هدف این نوع از پژوهش‌ها یافتن راه‌های متفاوتی است که مردم، جهان و اجزاء پیرامون را تجربه، مفهوم‌پردازی و درک نموده و جنبه‌های مختلف یک پدیده را شناسایی می‌کنند (Marton & Booth, 1997). در حقیقت پدیدارشناسی به دنبال آن است تا به جای یک پدیده یا پدیده‌های معین، روش‌های تجربه پدیده‌ای معین توسط افراد را بررسی کند (Hitchcock, 2006). نتایج یک مطالعه پدیدار نگاری، تعداد محدودی طبقات توصیفی^۲ است که هر یک معرف مفهومی متفاوت از یک پدیده معین در نزد گروه خاصی از افراد هستند (Penelope, Andreas, & Lars-Owe, 2013). پدیدار نگاران همچنین برای ارائه تصویری کلی و چندبعدی از یک پدیده، طبقات توصیفی مذکور را در قالب چارچوبی بزرگ‌تر که فضای نتیجه^۳ نامیده می‌شود، دسته‌بندی و منظم می‌سازند (Marton & Booth, 1997). به این ترتیب نتایج مطالعات پدیدار نگاری برای درک عمیق مفهوم یک پدیده از منظر گروه خاصی از افراد بسیار سودمند است (Bakhrodi, Bagheri, 2011).

حوزه پژوهش حاضر مربیان پیش دبستانی شهرستان سقز که در سال تحصیلی ۴۰۰-۱۳۹۹ مشغول به تدریس بودند، می‌باشند. طبق آمار گرفته شده از کارشناس آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز تعداد کل مربیان پیش دبستانی شهرستان (شهر و روستا) حدود ۴۵ نفر می‌باشد. نوع نمونه‌گیری هدفمند بود که در نمونه ۱۴ به اشباع نظری رسیده است. مصاحبه نیمه ساختاریافته و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی می‌باشد. هر مری به صورت فردی - به مدت تقریبی ۳۰ دقیقه - با استفاده از سؤالات اصلی همراه با دیگر سؤالات باز پاسخ و یا سؤالاتی که در حین مصاحبه اضافه شد، مورد مصاحبه قرار گرفت. مصاحبه‌ها به صورت کامل ضبط شد و بعد از پیاده شدن و تبدیل به متن، با استفاده از فرایند میزان تکرار (بازگفتنی) تجزیه و تحلیل گردید. فرایند تحلیل این مطالعه تکراری و چندباره بود. بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل منظم و منطقی داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز^۴ (فرآیندی که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند و در شروع مطالعه می‌توان از آن استفاده کرد. هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برجسب زدن به داده‌هاست.)، عمل کدگذاری انجام شد.

برای یافتن منبع توافق و تفاوت در این داده‌ها، نظرات انتخاب شده به صورت فردی و همچنین به صورت مقایسه‌ای با دیگر مصاحبه‌های انجام شده (Prosser, 2000) بررسی شد. با بررسی و مقایسه این کدها و موضوعات آنها باهم و نهایتاً تشخیص تفاوت‌ها و شباهت‌ها، طبقات توصیفی (یا همان زمینه‌های اصلی^۵) شکل گرفت. پس از حصول طبقات اولیه، این سؤال مطرح شد که آیا طبقات استخراج شده توان توصیف‌کنندگی و دلالت کافی بر داده‌ها را دارند یا خیر؟

1 . Fenomenologia

2 . Categories Description

3 . outcome space

4 . Open coding

5 . Theme

فرایند اصلاح و بازنگری تا جایی ادامه داشت که طبقات اصلاح شده با داده‌های مصاحبه‌ها سازگار شوند. مرحله بعد ارائه مفاهیم حاصل شده در قالب طبقات توصیفی ارائه شد که دارای ساختار کامل یک مفهوم (عنصر ارجاعی، عنصر ساختاری، افق بیرونی، افق درونی) بود. ماهیت مفهوم باورپذیری در تحقیقات کیفی به بازنمایی مشارکت‌کنندگان، اهداف تحقیق و مناسب بودن فرایندها ارتباط دارد (Bakhrodi, Bagheri, 2011).

در این مطالعه، به منظور برآورد میزان باورپذیری چک لیست مصاحبه از معیار اعتبار پذیری با انجام هفت نمونه بیشتر از نمونه‌هایی که به اشباع نظری دست یافتیم (واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش) با به کارگیری رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل برای ارزیابی اطمینان استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: چالش تفکر خلاق کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز کدامها هستند؟

جدول ۱- یافته‌های مربوط به سؤال اول

کد باز (Open code)	کد محوری (Pivotal code)	کد انتخابی (Selective code)
عدم استقلال در کودکان محدود کردن در ورزش کردن محدود کردن در غذا محدود کردن در استراحت	حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر	سخت‌گیری و تحمیل رفتارها به کودکان
فشار روی کودک از سوی والدین عدم تایید رفتار کودک از سوی والدین تذکر بیش از حد والدین به کودک تقلید کودک از رفتار بزرگ‌ترها کنار گذاشتن حرکات و شیطنتها کنار گذاشتن بازی‌ها	محدودیت و مقایسه مداوم کودک با دیگران تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی	تمرکز بر هوش (IQ) و غفلت از هوشهای چندگانه کودک
انتظار نا بجای والدین از کودکان انتظار بیش از حد تأکید بر روی هوش (IQ) کودک منع کردن کودکان از خیال‌پردازی تمسخر کردن افکار کودک منع کردن کودکان از بازی کردن محدود کردن شوخی طبیعی خشکی و انعطاف‌پذیری در کودکان بی‌توجهی به بازهای کودکان منع کردن کودکان از بازی کردن تقویت نکردن توانایی‌ها خود کاستن از نقاط قوت نداشتن مهارت در مشکل‌گشایی بدبینی	دادن اولویت افراطی به هوش و حفظیات نادیده گرفتن قوه تخیل کودک نادیده گرفتن و بی‌توجهی به شوخ‌طبعی کودکان	عدم توسعه مهارت‌های کودکان
عدم تشویق کودک عدم توانایی تشخیص واقعیت‌ها محدود شدن به حدس و گمان	عدم درک روشن از مسائل پیرامون عدم مهارت حل مشکل	عدم ارتقاء تفکر انتقادی

چنانکه جدول (۱) نشان می‌دهد، نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب چالش تفکر خلاق کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز در ۴ کد انتخابی، نقد و سخت‌گیری و تحمیل کودکان، عدم تمرکز در کودکان یا پراکنده ساختن ذهن، عدم توسعه مهارت‌های حرفه‌ای کودکان و عدم ارتقا تفکر انتقادی و ۹ دسته کد محوری حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر، نقد و ارزیابی مداوم کودک، تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی، اولویت افراطی به هوش و حافظه، نادیده گرفتن قوه تخیل کودک، منع کردن یا بی‌توجهی به شوخ طبعی کودک، عدم مهارت خود آگاهی، عدم مهارت حل مسئله و عدم درک روشن از مسائل پیرامون طبقه‌بندی شده است. در زیر به توصیف این یافته‌ها پرداخته می‌شود:

حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر: در خصوص چالش تفکر خلاق کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مربیان، یکی از نتایجی که حاصل شد حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر نسبت به کودکان بود. از دید مربیان کودکان خود را محدود کردند و کودکان در تمامی امور آنها اعم؛ از درس خواندن، غذا خوردن، تفریح، استراحت و ... برنامه‌ریزی می‌کنند و کودکان را محدود به این برنامه می‌سازند. این امر سبب می‌شود که کودک به انجام دادن کارهای تکراری عادت کند و از خود اختیاری نداشته باشد. عادت کردن کودک به کارهای تکراری و نداشتن اختیار و استقلال، خلاقیت کودکان را تحت شعاع قرار می‌دهد. در خصوص چالش تفکر خلاق کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مربیان، نتایجی که حاصل شد:

نقد و ارزیابی مداوم کودک: از دید یکی دیگر از مربیان می‌گوید که: بعضی از مربیان فرصت اشتباه کردن را به کودکان را نمی‌دهند و احساس می‌کنند که کودک باید همانند خودشان کارها را صحیح و باظرافت انجام دهد، بر این اساس به‌طور مداوم کودک را مورد نقد قرار می‌دهند. این کار سبب می‌شود که آزادی و امنیت خاطر کودک از بین برود و یک ترس مرضی در او شکل بگیرد، این ترس مرضی باعث می‌شود که کودک از انجام کارهای مبتکرانه و ابراز ایده‌های جدید هراس داشته باشد.

تحمیل نقش‌های کاذب بزرگسالی: برخی از مربیان تمایل دارند که کودکان درک بالاتری از سن خود داشته باشد و این خواسته را به‌طور نابجا تحمیل می‌کنند. آنها از کودک می‌خواهند که مانند بزرگ‌ترها رفتار کند و حرکات کودکان و شیطنتها را کنار بگذارد، در صورتی که این حرکات و شیطنتها فرصت خلاقیت را به کودک می‌دهد. کودک از طریق شیطنت و بازی است که می‌تواند به حل مسئله و خلاقیت برسد. تحمیل نقش بزرگسالی به کودک رفتارهای ساختگی را در او ایجاد می‌کند و استعدادهای خلاقانه او را ریشه‌کن می‌سازد.

اولویت افراطی به هوش و حافظه: بسیاری از مربیان و حتی والدین احساس می‌کنند که چنانچه کودک به خوبی بتواند اطلاعات درسی خود را یاد بگیرد و نمرات بالایی بگیرد، پس بسیار موفق است، از این رو بر روی هوش و حافظه کودک تأکید بسیاری دارند و بی‌درپی او را به کلاس‌های کمک آموزشی می‌فرستند، این امر سبب می‌شود که تنها هوش و حافظه پایه قرار بگیرد و با پایه قرار دادن هوش، فرصتی برای پرورش سایر استعدادهای کودک که مهمترین آنها تفکر خلاق است، فراهم نشود.

نادیده گرفتن قوه تخیل کودک: خلاقیت کودکان از قوه تخیل آنها سرچشمه می‌گیرد، اما اغلب مربیان کودکان خود را از خیال‌پردازی منع می‌کنند و گاهی افکار آنها را مورد تمسخر نیز قرار می‌دهند. زمانی که کودک نتواند خیال‌پردازی کند یا از ترس مربیان و اطرافیان افکار خود را عنوان کند، در سنین بالاتر هم نمی‌تواند خلاق شود.

نادیده گرفتن یا بی توجهی به شوخ طبعی کودک: یکی از خصوصیات افراد خلاق، شوخ طبعی آنهاست. آن‌ها می‌توانند فی‌البداهه در مورد موضوعات مختلف شوخی کنند. لیکن در برخی خانواده‌ها جدیت بیش از اندازه، این امکان را به کودک نمی‌دهد تا شوخی کند. شوخی نکردن، خشکی و عدم انعطاف را در کودک ایجاد می‌کند.

عدم مهارت خود آگاهی: به نظر مریبان شهرستان سقز «کودکان در طی دوران مدرسه زیاد نقاط ضعف و قوت خود را پیدا نمی‌کنند و یاد نمی‌گیرند برای برطرف کردن نقاط ضعف خود تلاش نمی‌کنند».

عدم مهارت حل مسئله: از آنجایی که در سیستم آموزشی جدید مبنای کلی بر این است تا کودک را به یادگیری فعال وا داریم و او را مجبور به فکر کردن در ورد راه‌حل‌های مختلف برای پیدا کردن جواب سؤالات کنیم بنابراین می‌توان گفت که مدارس باعث عدم بهبود مهارت حل مسئله در کودکان می‌شوند».

درک روشن از مسائل پیرامون: در جهت داشتن عدم درک روشن از مسائل پیرامون، باید به کودکان یاد داد تا تفکر انتقادی داشته باشند. به عبارتی نسبت به مسائل پیرامون خود قدرت تحلیل و تفکر داشته باشند. در این رابطه یکی از مریبان گفت: «بازی به کودک کمک می‌کند تا قدرت پرسشگری داشته باشند».

سؤال دوم: چالش زیبایی‌شناسی کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مریبان شهرستان سقز کدامها هستند؟

جدول ۲: یافته‌های مربوط به سؤال دوم

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
		عدم یادآوری توانایی کودکان
	عدم توجه به نقاط قوت	بی توجهی به بهسازی توانایی های کودک
		نادیده گرفتن و تشویق نکردن رفتارهای مثبت کودکان
عدم کشف علایق و توانایی		آگاهی ندادن به کودکان
	عدم شناسایی علاقه	سرکوبی علایق
		نگاه تک بعدی
		تحمیل خواسته ها
		انرژی نگرگرفتن از زیبایی
	عدم جستجوی شادی	منفی صحبت کردن
		محروم ساختن بی دلیل از رفاه و آسایش
عدم مسئولیت پذیری در قبال خویش	عدم توجه به سلامت بدن (زیبایی ظاهری خود)	بی توجهی به مسواک زدن
		نشستن دست و صورت
		تغذیه نادرست
		مشخص نکردن اولویت‌های زندگی
		مشخص نکردن ارزش‌های زندگی
		همکاری نکردن با کودکان دیگر
عدم تقویت مهارت‌های اجتماعی	ضعف روابط اجتماعی	احترام نگذاشتن به فضای شخصی
		احترام نگذاشتن به حقوق دیگران
	عدم همدلی	ناتوانی در بیان عواطف
		ناتوانی در ابراز احساسات

انرژی نگرستن از فضای مدرسه	انگیزه مطالعه نداشتن	انرژی منفی گرفتن از مطالعه	عدم تقویت حس شاد بودن	تثویق نکردن کودک	عدم توانایی تشخیص واقعیت‌ها	محدود شدن به حدس و گمان	اهمیت ندادن به نیازهای کودک	آزادی کم و سختگیری زیاد	دخالت بیش از حد والدین	جو و فضای غیرعاطفی خانواده	دیکتاتوری، سختگیری، امر و نهی مدام
عدم درگیری تحصیلی	عدم اشتیاق به یادگیری	جذب نشدن به تحصیل	عدم درک روشن از نیازهای کودک	دیدگاه‌های کمال‌گرایانه و غیرمنطقی	عدم ارتقا تفکر	خلاق					

چنانکه جدول (۲) نشان می‌دهد، نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب چالش‌های زیبایی‌شناسی کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز در ۵ کد انتخابی عدم مسئولیت‌پذیری در قبال خویش، عدم تقویت مهارت‌های اجتماعی، عدم اشتیاق به یادگیری و ارتقا تفکر انتقادی و ۹ دسته کد عدم توجه به سلامت بدن، نداشتن برنامه، عدم مشارکت کودکان، عدم احترام گذاشتن به حقوق دیگران، عدم همدلی، عدم نیرومندی، جذب نشدن به تحصیل و عدم درک روشن از مسائل پیرامون و دیدگاه‌های کمال‌گرایانه و غیرمنطقی طبقه‌بندی شده است. در زیر به توصیف این یافته‌ها می‌پردازیم.

عدم توجه به نقاط قوت بر این اساس می‌توان اذعان کرد که بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان مربیان باید عدم توانایی کودک را به آنها یادآوری کنند. تا کودک اعتماد به نفس و روحیه کاهشی داشته باشند. بر اساس نظر یکی از مربیان «مهم است که کودک نسبت به توانایی‌های خود احساس خوبی ندارد».

عدم جستجوی شادی: باید کودکان از محیط مدرسه لذت ببرند و احساس خستگی و بی‌حوصلگی کمتری داشته باشند. تعدادی از مربیان گفتند: «کودکان که همش باید درس بخوانند باید تفریح و ورزش نداشته باشند».

عدم احساس کارآمدی: از دید معلمان ابتدایی ایجاد مهارت تصمیم‌گیری در کودکان و همچنین آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان به کارآمدی آنان منجر می‌شود. برای مثال یکی از معلمان عنوان کرد: «در جهت پربار کردن و غنی کردن زندگی کودکان به آنها آموزش می‌دهیم که خود را فرد کارآمد و مسئولیت‌پذیری بدانند».

عدم احساس ارزشمند بودن: بر این اساس می‌توان اذعان کرد که معلمان از طریق توجه به نظرات کودکان و دخالت دادن آنها در فرآیند تدریس به کودکان این باور را منتقل می‌کنند که وجود آنها ارزشمند نمی‌باشد. در این زمینه یکی از معلمان عنوان کرد: «در سر کلاس مرتباً از کودکانم می‌خواهم که در فرآیند تدریس مشارکت داشته باشند و نظرات خود را بگویند».

عدم شایستگی در کودکان: برای مثال یکی از معلمان در این باره گفت: «من سعی می‌کنم به کودکانم یاد بدهم که ضعف‌ها و شایستگی خود را بشناسند و در جهت رفع ضعف‌ها تلاش کنند».

عدم توجه به سلامت بدن: در این باره اقداماتی مانند آموزش نحوه صحیح مسواک زدن و شستن دست و صورت در مدارس انجام شده است. یکی از معلمان اذعان کرد: «من در طول سال تحصیلی همیشه با کودکانم درباره رعایت نکات بهداشتی صحبت می‌کنم».

عدم تمایل به قبول مسئولیت: به اعتقاد معلمان کودکان باید در برابر آگاهی، رشد و خوشبختی خود مسئولیت داشته باشند. در این راستا یکی از معلمان گفت: «به نظر من کودکان هم در راستای زندگی شایسته باید آموزش داده شوند».

عدم مشارکت کودکان: بیشتر معلمان به اهمیت مشارکت کودکان، جهت تقویت روابط اجتماعی کودکان اشاره کردند. عدم مشارکت کودکان در فعالیت‌های کلاسی و گروهی به تقویت مهارت‌های اجتماعی و همچنین دوست‌یابی آنها کمک نمی‌کند. به عنوان مثال یکی از معلمان بیان کرد: «به کودکانم یاد می‌دهم که با همدیگر همکاری داشته باشند».

عدم احترام گذاشتن به حقوق دیگران: رعایت اخلاق و ادب و احترام گذاشتن به حقوق دیگران از جمله مفاهیمی است که باید در مدرسه به کودکان یاد داده شود. همچنان که یکی از معلمان در این باره بیان می‌کند: «به کودکانم یاد داده‌ام هنگام استفاده از وسایل دیگران از آنها اجازه بگیرند و بدون اجازه به وسایل دانش‌آموزان دیگر دست نزنند. و در منزل نیز هنگام وارد شدن به اتاق پدر و مادر اول اجازه بگیرند».

عدم همدلی: بر این اساس باید عنوان کرد با آموزش همدلی به کودکان آنها توانایی ابراز احساسات خود و همچنین توانایی فهمیدن احساسات دیگران را پیدا می‌کنند. معلمان می‌توانند با گنجاندن همدلی در برنامه آموزشی نه تنها اثری مثبت در کلاس درس خودشان داشته باشند، بلکه تغییرات مثبتی در اجتماع فراتر از مدرسه مشاهده کنند. در این رابطه یکی از معلمان گفت: «کودکان باید بگیرند که با همدیگر مهربان باشند و به هم کمک کنند».

عدم درگیری تحصیلی: زمانی که کودکی درگیر فعالیت درسی خود می‌شود یا هر کار دیگر، دیگر متوجه گذر زمان نمی‌شود. از انجام آن فعالیت لذت می‌برد و بازدهی بالایی را در کار خود تجربه می‌کند و از انجام آن فعالیت انرژی لازمه را به دست می‌آورد و در یک کلام درگیر شدن را در امر درس خواندن یا هر فعالیت دیگر تجربه کرده و میزان اشتیاقش برای ادامه مسیر بیشتر می‌شود. یکی از معلمان می‌گوید: «اگر کودکان چارچوب مشخصی برای خود تدوین کنند به تحصیل و یادگیری اشتیاق بیشتری پیدا می‌کنند».

جذب نشدن به تحصیل: معلمان باید از روش‌های گوناگونی سعی در جذب کودکان به تحصیل و همچنین تقویت اشتیاق تحصیلی آنها داشته باشند. برای مثال یکی از معلمان گفت: «من همیشه سعی می‌کنم محیط شادی برای کودکان فراهم کنم تا آنها نسبت به تحصیل دلگرم باشند».

عدم درک روشن از نیازها و تمایلات کودک: در جهت داشتن عدم درک روشن از مسائل پیرامون، باید به کودکان یاد داد تا تفکر انتقادی داشته باشند. به عبارتی نسبت به مسائل پیرامون خود قدرت تحلیل و تفکر داشته باشند. در این رابطه یکی از معلمان گفت: «بازی به کودکان کمک می‌کند تا قدرت پرسشگری داشته باشند».

دیدگاه‌های کمال‌گرایانه و غیر منطقی: برخی از والدین بر این باورند که برای پیشرفت کردن فرزندشان در آینده، باید فشار زیادی بر او تحمیل کنند. این فشار برای انجام دقیق و بی‌نقص هر کاری، یکی از مشکلات بزرگ و مسکوت خانواده‌های کمال‌گرا است. نگاه‌های داورانه والدین، شرم از اشتباه فرزند، مقایسه کودکان با دیگر کودکان، همه و همه از نشانه‌های کمال‌گرایی هستند که باعث تحمیل فشار روی فرزندان می‌شوند. اما مساله به این جا ختم نمی‌شود. بسیاری از والدین احساس می‌کنند که این رفتارها آن‌ها را تبدیل به والدین خوب و کاملی می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اول: چالش‌های تفکر خلاق کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز کدامها هستند؟

با توجه به نتایج و اطلاعات به دست آمده از یافته‌های مصاحبه در باب چالش تفکر خلاق کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز در ۴ کد انتخابی (نقد و سخت‌گیری و تحمیل رفتارها به کودکان، عدم تمرکز در کودکان یا پراکنده ساختن ذهن، عدم

توسعه مهارت‌های حرفه‌ای کودکان و عدم ارتقا تفکر انتقادی) و ۹ دسته کد محوری (حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر، نقد و ارزیابی مداوم کودک، تحمیل نقش‌های کاذب بزرگسالی، اولویت افراطی به هوش و حافظه، نادیده گرفتن قوه تخیل کودک، منع کردن یا بی‌توجهی به شوخ طبعی کودک، عدم مهارت خود آگاهی، عدم مهارت حل مشکل و عدم درک روشن از مسائل پیرامون) طبقه‌بندی شده است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهشهای (Mansouri, Mojab, 2015)، (Abdulpour, 2013)، (Afemi Naier, 2014) و (Chan, 2005) تا حدودی همخوان و همسو می‌باشد.

در خصوص چالش تفکر خلاق کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان، نتایجی که حاصل شد شامل: حاکمیت قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر نسبت به کودکان، نقد و ارزیابی مداوم کودک، تحمیل نقش‌های کاذب بزرگسالی، اولویت افراطی به هوش و حافظه، نادیده گرفتن قوه تخیل کودک، منع کردن یا بی‌توجهی به شوخ طبعی کودک، عدم مهارت خود آگاهی، عدم مهارت حل مسئله، درک روشن از نیازهای کودکان بود.

سؤال دوم: چالش‌های زیبایی شناسی کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز کدامها هستند؟

با توجه به نتایج و اطلاعات به دست آمده حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب چالش زیبایی شناسی کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان شهرستان سقز در ۵ کد انتخابی (تمایل به ابراز افکار و احساسات در قالب‌های مختلف هنری، توجه به زیبایی‌ها و پرورش حس زیبایی شناسی و توجه به حفظ آثار هنری و میراث فرهنگی، عدم کشف علایق و توانایی و محدود کردن از شاد زیستن) و ۹ دسته کد محوری (ابراز افکار، علایق و احساسات خود، شکوفایی حس زیبایی شناختی و حفظ آثار هنری و احترام به هنرمندان و آثار هنری، عدم توجه به نقاط قوت، عدم شناسایی علاقه و عدم جستجوی شادی) طبقه بندی شده است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهشهای (Mahdovinejad, Mohammad, 2006)، (Agha Latifi, 2008) و (Sharp, 2004) تا حدودی همخوان و همسو می‌باشد. در بحث هنر و زیبایی شناسی اگر بخواهیم این عناصر را در مقایسه با هم در نظر بگیریم، باید ذائقه شخصی را به عنوان عنصری اثرگذار در قضاوت زیبایی شناختی کودکان در نظر بگیریم. تصویرگرانی که سوژه‌های خود را کودکان قرار می‌دهند باید به این نکته توجه داشته باشند که کودکان تقریباً از کنار هیچ محرکی، بی تفاوت عبور نمی‌کنند. بنابراین غنی بودن تصویرهایی که مخاطبشان کودک است می‌تواند منجر به تحریک هرچه بیشتر حس زیبایی شناختی کودکان شود. از طرفی، از قضاوت زیبایی شناختی کودکان می‌توان در انتقال ضمنی پیغام از طریق تصویرها نیز استفاده کرد به این صورت که ترجیح زیبایی شناختی کودکان را در تقابل متن و تصویر به چالش بکشیم.

در خصوص چالش زیبایی شناسی کودکان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان، نتایجی که حاصل شد شامل: ابراز افکار، علایق و احساسات خود، شکوفایی حس زیبایی شناختی، عدم توجه به نقاط قوت کودکان و عدم جستجوی شادی می‌باشد. هنر و زیبایی می‌تواند به عنوان بستر ذهنی مناسبی برای ایجاد معرفت و تربیت حقیقی تلقی شوند و زیبایی، به عنوان آستانه جهان معقول، می‌تواند بستر مناسبی برای اندیشه‌ورزی محسوب شود.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که، اگر تنوع و تغییرات نباشد و فضاها تکراری شوند، فضا برای کودک یکنواخت شده و برای او جاذبه لازم را ندارد. پس می‌توان فضاها را به گونه‌ای طراحی کرد که در عین سادگی، روان و قابل درک بوده، به وسیله فرمها و رنگهای متنوع، جذاب گردد و باعث تحریک کنجکاوی او شود. کودکان در جریان بازی با بهره‌گیری مناسب از کیفیت‌های مختلف عناصر محیطی همچون فرم، رنگ و بافت در فضاهای آموزشی خیال‌پردازی کنند.

به دلیل اینکه این پژوهش در شهرستان سقز انجام گرفته و منطقه دو زبانه است، لیکن این مسئله مهم روی نتایج بی تاثیر نبوده است. همچنین تحقیق در یک شهر کوچک انجام گرفته با مریانی که آموزشهای یکسان داشته اند و از نظر فرهنگی و قومیتی در یک رده بودند. که تنوع در نمونه ها از لحاظ فرهنگی، مکانی و می توانست نتایج متفاوتی را به دنبال داشته باشد.

- با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، پیشنهاد می شود برنامه ها و آموزش های ویژه ای برای مریان مهد کودک ها در نظر گرفته شود، تا مریان از نقش کیفیات محیطی کودکان آگاه و از این قابلیت در فضاهای آموزشی برای ارتقاء کنجکاوی، گسترش ذهنی کودکان بهره گیرند.

- در مورد پیشنهاد های پژوهش، می توان اظهار داشت، با توجه به اهمیت روزافزون خلاقیت در جهان معاصر، توجه نهادهای فرهنگی و آموزشی به مسئله خلاقیت و ضرورت پرداختن به آن، از حساسیت خاصی برخوردار است.

- به جای آموزش احتمالی خلاقیت در بزرگسالی، باید این آموزش از سطح پیش دبستان یا دبستان شروع شود تا ارائه پاسخهای خلاق در کودکان را نهادینه سازد و بدانها بیاموزد که در برخورد با هنجارهای مختلف اجتماعی، به خودشان نیز به عنوان یک منبع اطلاعاتی بنگرند و بدین گونه پاسخهای خلاقشان را حفظ کنند.

References

- Abdulpour, F. (2013). Creativity (creative thinking) and preschool and elementary school children, *the first national conference of educational sciences and psychology, Marvdasht*, <https://civilica.com/doc/339115>. [in persian].
- Agha Latifi. A. (2008). Optimizing the environment for children's creativity, *Proceedings of the First National Conference on Creativity, Aban*. [in persian].
- Ahmadi.H. (2011). "What is educational integration?", *Journal of the Scientific Association of Exceptional Children*, No. 16 and 17 (October and November). [in persian].
- Bakhrodi. R. and Bagheri.K. (2011). Methodological components of phenomenological research in education. *Research Journal of Basics of Education and Training*, second volume, number 2, 121-140. [in persian].
- Chan, D. W. (2005). Family environment and talent development of chinese gifted students in Hong Kong. *Gifted Child Quarterly*, 49, 211.
- Davey, N. (2006). *Unquiet Understanding: Gadamer's Philosophical Hermeneutics* (Suny Series in Contemporary Continental Philosophy, State University of New York Press. Darwish, Doaa M. (2002). "A proposed program for developing critical thinking skills and teaching competencies in geography for female student teachers", *an unpublished Ph.D. thesis, Ain Shams University, Faculty of Education*.
- Dishion TJ, Snyder JJ, editors. (2016). *The Oxford Handbook of Coercive Relationship Dynamics*. New York: *Oxford University Press*.
- Dyke.M.(2023). through the arts: the importance of creativity and self-expression
- Farrow CV, Haycraft E, Blissett JM.(2015). Teaching our children when to eat: How parental feeding practices inform the development of emotional eating—a longitudinal experimental design. *The American Journal of Clinical Nutrition*. 2015;101(5),908–913.
- Folley, B.S., Park, S. (2005). Verbal creativity and schizotypal personality in relation to prefrontal hemispheric laterality: a behavioral and near-infrared optical imaging study. *Schizophr Res*, 80 (2-3), 271-82.
- Fonagy, P., Gergely, G., Jurist, E. L., & Target, M. (2002). *Affect regulation, metallization, and the development of the self*. New York. Other Press
- Golkari, M., Rastgoo, M., and Mogadam, M. T. (2013). The impact of web-based curriculum on creativity of high school students in Birjand. *Journal of Educational Technology*, (7), 23-29. [In Persian].
- Giroux, H. (2004). Education after Abu Ghraib. *Cultural Studies*, 18(3), 779- 815.

Gibson, C., Folley, B.S., Park, S. (2009). Enhanced divergent thinking and creativity in musicians: A behavioral and near –infrared spectroscopy study. *Brain Cognitive*, 69(1), 162-9.

Gottlieb, J. Alter, M & Gottlieb, B.W, (2001). Mainstreaming mentally retarded children. (Cited in) *Matson, Johnny.L & Malick, Jame*.

Gottfried AW.(2013). Home Environment and Early Cognitive Development: Longitudinal Research. London, UK: Academic Press.

Grusec JE.(2011). Socialization processes in the family: Social and emotional development. *Annual Review of Psychology*. 2011;62,243–269.

Hitchcock, L(2006).Methodology in computing education: a focus on experiences. Proceedings of the 19th Annual *NACCQ Conference, 7–10 July 2006, Wellington New Zealand*.

Hajizadeh. M.(2006). Quantitative and qualitative examination of facilities available in kindergartens in Kerman city and their compliance with Iranian and world standards, *master's thesis*. [in persian].

Hardiman, M. M. (2016). Education and the arts:Educating every child in the spirit of inquiry and joy. *Creative Education*, 7, 1913–1928.

Hosseini, A. Al . (2019). The nature of creativity and its methods, Tehran: *Astan Quds Razavi Company, Beh-Nasher*. [in persian].

Jafari, A. (2014) Investigating the effect of traditional educational games on the academic progress of elementary school students in Tehran. *PhD thesis. National University of Tajikistan*. [in persian].

Kaapu, T., Saarenpää, T., Tiainen, T. & Paakki M-K. (2006). The Truth is Out There - Phenomenography in Information Systems Research. Proceedings of the 29th Information Systems Research Seminar in Scandinavia, Helsingör, *Denmark, 12-15.8.2006, 17 p. Available at [http://www .itu.dk/iris29/](http://www.itu.dk/iris29/) IRIS29/14-6.pdf*

Karami, Z., and yusefzadeh, M. R. (2018). Proposing an Applied Framework for Teachers to Develop Aesthetics in Children with an Emphasis on Aesthetic Discourses of Dewey, Steiner, and Vygotsky, *Journal of Teacher's Professional Development*, 3 (1), 9-104. [in Persian].

Kim, M., Roh, I. S., & Cho, M. K. (2016), Creativity of Gifted Students in an Integrated Math-Science Instruction. *Thinking Skills and Creativity*, 19, 38-48.

Kroner. W. (2005). Architecture for children, translated by Ahmed Khoshnavis and Valmira Mir Rahimi (2010), second edition, Tehran: *Ganj Honar Publications*[. in persian].

Kim *et al.*(2019).The development and evaluation of the effect of creative problem-solving program on young children’s creativity and character, *Thinking Skills and Creativity*, Volume 33.

Kudo, I., & Hartley, J. (2017, August 25). Teaching(with) empathy and compassion in schools. Education for Global Development Blog. Retrieved from <http://blogs.worldbank.org/education/teaching-empathy-and-compassion-schools>.

Lotfabadi. H.(2020), developmental psychology (2), adolescence, youth and adulthood; *Tehran: Samt Publications*. [in persian].

Moin, M. (2015). Persian culture Volume 2, *Tehran: Amirkabir*. [in persian].

Mansouri. S.and Mojab, H. (2015). Social development of preschool children who went to kindergarten and did not go to kindergarten and comparison of demographic characteristics. *The first international conference on modern researches in the field of educational sciences, psychology and social studies of Iran*. [in persian].

Mahdovinejad, Mohammad Javad (2006). Creativity and the process of creative education in architectural design. *beautiful arts*. [in persian].

Marton, F., & Booth, S. (1997). Learning and Awareness. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

National Research Council and Institute of Medicine; (2000).Committee on Integrating the Science of Early Childhood Development; Board on Children, Youth, and Families; Commission on Behavioral and Social Sciences and Education. *From Neurons to Neighborhoods: The Science of Early Childhood Development*. Shonkoff JP, Phillips DA, editors. Washington, DC: National Academy Press.

Naier, N and Afemi, R. (2014) in research entitled "The role of qualitative aspects of environmental elements on children's creative development from the point of view of kindergarten teachers." *Educational innovations of the 13th year, number 50*. [in persian].

Osofsky JD, Fitzgerald HE.(2000). WAIMH Handbook of Infant Mental Health. Vol. 1. Chichester, UK: Wiley. (Perspectives on Infant Mental Health).

Penelope M., Andreas F., & Lars-Owe D. (2013). A phenomenographic study of students' conceptions of quality in learning in higher education in Rwanda. *Studies in Continuing Education*. *Studies in Continuing Education is available online at: <http://dx.doi.org/10.1080/0158037X.2013.768229>*.

Pickard KE, Ingersoll BR.(2015). Quality versus quantity: The role of socioeconomic status on parent-reported service knowledge, service use, unmet service needs, and barriers to service use. *Autism*.

Pollowey, E. A., & smith, D. (1999). Current status of the mild mental retardation construct: Identification, placement, and programs.

Prosser, M. (2000). Using phenomenographic research methodology in the context of research in teaching and learning. In J. A. Bowden & E. Walsh (Eds.), *Phenomenography* (pp. 34-47). Melbourne, *Australia: RMIT University Press*.

Richardson, K. (2017). *Genes, brains, and human potential: The science and ideology of intelligence*. New York, NY: Columbia University Press.

Santella, m.e. (2009). how color impact moods, feeling, and behaviors. *Product usage and demographics studio*.

Sharp, C. (2004). Developing young children's creativity: what can we learn from Englan, 32, 5-12.

Saif, A. A. (2021). *Modern educational psychology, fifty-ninth edition, Tehran: Duran publications*[in persian].

Torrance, E.P., & Goff, K. (1989). A quiet revolution. *The Journal of Creative Behavior*, 23(2),136-145.

Wilson, J. (2017). How to develop creative capacity for the fourth industrial revolution: Creativity and employability in higher education. *Knowledge, Innovation and Enterprise*. 15-Oct-2017.

Welsh .G. (2017) *Education in Wales: Our national mission. Action plan 2017–21*. Cardiff: Welsh Government. Available at: <http://gov.wales/docs/dcells/publications/170926-education-in-wales-en.pdf> (accessed 2 February 2018)

Yazdani, Mojtabi (2004), *The Truth of Beauty, Master's Thesis, Faculty of Fine Arts, University of Tehran*. [in persian].

Yasmi, Sadiqeh; Hosseinikhah, Ali and Kian, Marjan (2022). A reflection on the characteristics of the curriculum based on creativity in the elementary school, *two quarterly research journals in elementary education*, 4(7), 1-19